

## نقش راهبردی اندیشکده‌ها در ارتقاء دیپلماسی عمومی و تقویت ظرفیت‌های علمی-فرهنگی ایران در افق ۱۴۱۴

مجتبی اشرفی<sup>۱</sup> و مرتضی اشرفی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

### چکیده

جمهوری اسلامی در ذیل سیاست خارجی و دیپلماسی چندوجهی خود، علیرغم وجه اشتراکاتی که با بسیاری از کشورها از جمله کشورهای پیرامونی و هم‌چنین کشورهای دارای شریعت اسلام داشته، تاکنون آن‌چنان که باید و شاید نتوانسته است از منظر دیپلماسی عمومی-فرهنگی در این کشورها و در مرحله عمل بعدی، کشورهای مستعد برای پذیرش مؤلفه‌های علمی و فرهنگی با منشاء سرزمینی ایران، موفق عمل نماید. لذا به نظر می‌رسد «دیپلماسی عمومی» و تقویت بنیه‌ی تعاملات «علمی» و «فرهنگی» در قالب مباحث علمی و اندیشکده‌ای تا اندازه‌ی زیادی می‌تواند در برطرف نمودن این ضعف مؤثر واقع شود. هم‌چنین است که در دنیای پر تلاطم امروزی و در مواجهه با تحولات گسترده در سطوح ملی و بین‌المللی، و در عرصه‌های مختلف به ویژه میدان متلاطم و پر مخاطره سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، مدیران و سیاست‌گذاران با چالشی اساسی و انکارناپذیر در فرایند تصمیم‌گیری بهینه، کارا و مؤثر روبرو هستند و این در شرایطی است که عموم نخبگان و متخصصان، به‌ویژه در اندیشکده‌ها، از طریق تصمیم‌سازی در عرصه عمومی، بر تصمیم‌سازی رسمی و حکومتی تأثیر می‌گذارند و بر همین اساس در خصوص موضوع مقاله، به تبیین و بازتعریف دیپلماسی علمی-فرهنگی و ارائه راهبردهای عملیاتی در دو سطح ملی و فراملی خواهیم پرداخت. اما در ابتدای امر، به نظر می‌رسد باید داشته‌ها و ابزارهای در اختیار و بستر موجود برای اجرا و تحقق راهبردها و اقدامات پیشنهادی در طرح توسعه عملگری اندیشکده‌ها در حوزه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در داخل و خارج از مرزهای ایران فرهنگی بازخوانی و مرور شود.

**کلید واژه‌ها:** اندیشکده، دیپلماسی عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، جمهوری اسلامی ایران.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

اشرفی، مجتبی؛ اشرفی، مرتضی (بهار ۱۴۰۳). «نقش راهبردی اندیشکده‌ها در ارتقاء دیپلماسی عمومی و تقویت ظرفیت‌های علمی-فرهنگی ایران در افق ۱۴۱۴». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۲۵، صص ۴۸-۱۹.

<sup>۱</sup>. پژوهشگر گروه علوم سیاسی، اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه، شیراز، ایران. ایمیل: engcac@gmail.com

<sup>۲</sup>. پژوهشگر گروه علوم سیاسی، اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه، شیراز، ایران. ایمیل: mortezaashrafi110@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگرایی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

زمانی یک فعالیت و طرح در عرصه‌ی عمل، موفق، اثرگذار و جریان‌ساز می‌شود و به معنا و تکامل می‌رسد که اولاً با الگویی ساده و مبنایی قابل تفسیر نگارش شده و دوم این که مسیری مشخص و رویه‌ای شفاف برای اجرا داشته باشد و سوم این که نتایج و پیامدهایش در جامعه ملموس و عیان باشد. حالا اگر جایی هم نیاز به ساختاری و یا حتی تغییر رویه‌ای بود، ایرادی ندارد. مثلاً پیش از انجام هر طرح باید اصالت اجرایی و پیامد عملیاتی شدن آن آزموده و بررسی شود و برای این مهم چه بسا نیاز به تعریف یک ساختار علمی مثل مرکز مطالعات راهبردی و یا محفلی برای بررسی میدانی ابعاد تأثیرگذاری و بازخوردهای طرح در «وضعیت موجود»، «وضعیت ایده‌آل» و «وضعیت گذار از موجود به ایده‌آل» و ... باشد.

تا همین اواخر دولت‌ها به‌عنوان بازیگر اصلی دیپلماسی عمومی در نظر گرفته می‌شدند؛ اما به دلیل جهانی شدن و گسترش بین‌المللی جامعه مدنی، بازیگران غیردولتی به‌طور فزاینده‌ای وارد عرصه سیاست جهانی شده‌اند (La Porte, 2012). امروزه وزارتخانه‌های امور خارجه در حوزه دیپلماتیک با اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ... اشتراک مساعی دارند (Pisarska, 2016). این اشتراک مساعی بخصوص در حوزه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی-فرهنگی بسیار مشهودتر است. اینکه دقیقاً یک اندیشکده در حیطه دیپلماسی عمومی چه وظیفه‌ای را می‌تواند بر عهده بگیرد، همواره مورد بحث است؛ اما توافق گسترده‌ای در مورد انواع وظایف آنها در حیطه سیاست‌گذاری عمومی و احتمالاً دیپلماسی عمومی وجود دارد. اندیشکده‌ها دانش را به قدرت تبدیل می‌کنند، اما قدرت از آنها برای پیشبرد برنامه سیاسی خود نیز استفاده می‌کند. البته از آنجایی که مفهوم آرمان‌گرایانه‌ی «دانش تخصصی» به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات سیاست‌گذاری‌های عمومی از طریق اندیشکده‌ها رونق گرفته است، تعامل اتاق‌های فکر با دولت‌ها، رسانه‌ها و مردم، در این زمینه، قابل بررسی و مورد توجه خواهد بود.

در رابطه با دیپلماسی عمومی و خاصه دیپلماسی فرهنگی باید توضیح داد که، در عرصه‌ی فرهنگ، دو بافت و پیام معنایی وجود دارد. آن چیزی که در ذیل «مناسک و آئین دینی و هنجارهای معمول عامه و عرف انسانی» است و ظاهر و شکل فرهنگ را می‌سازد، و نیز «بافت و درون‌مایه‌ای» که حیات فرهنگ را می‌سازد و محتوا و هویت فرهنگی را معنا می‌بخشد. تقلیل فرهنگ به «شکل» و هزینه‌کرد هزینه‌های فرهنگی در ذیل شکل و قالب، جز اتلاف وقت و هزینه نیست و معمولاً آن فرآیند و جریان‌سازی لازم را نیز به دنبال نخواهد داشت بخصوص اینکه هدف ما در این مورد، تأثیرگذاری بر شهروندان غیر ایرانی باشد. اگر دیپلماسی فرهنگی را به پوسته و قالبش محدود کنیم، دست آخر انبوهی از سازمان‌ها و نهادهای موازی و هم‌پوشان را خواهیم داشت که در هر سال مالی، بودجه بیت‌المال را می‌بلعند و با توقف در سطح، هدف را گم می‌کنند (کریمی و سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۶۳-۱۳۷).

هم‌چنین عدم وجود مطالعات علمی و عدم شفافیت در طرح و برنامه‌ریزی ناقص یا ناموجود برای هدف‌های پیش‌برنده و آینده‌محور، از ضعف‌های بزرگ این تحدید فرهنگی است. علاوه بر این، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی جدید، موضوع قابل توجهی است که مرزهای سرزمینی را محو و یا کم‌رنگ و تداخلات فرهنگی را به نحو فزاینده‌ای افزایش داده است؛ که این تغییرات تأثیر خود را بر سیستم‌های دیپلماتیک بین‌الدولی هم گذاشته است (Huijgh, 2019; Melissen, 2005). بنابراین، شاید وقت آن رسیده باشد که در تبیین و تعریف طرح‌های مبتنی بر «دیپلماسی عمومی» و «دیپلماسی فرهنگی» بازنگری کنیم و فارغ از طرح‌های پیچیده و کثیرالمثال و فربه و حاکمیتی، به یک سادگی و عریانی و شفافیت در موضوع و برون‌سپاری و مردمی کردن مقوله «دیپلماسی عمومی» و خاصه «دیپلماسی فرهنگی» برسیم. که اتفاقاً هدف از تبیین و تعریف مقاله‌ی پیش‌رو که در ذیل مطالعه‌ی موردی و بیان تجربیات عملی-میدانی و تقریباً موفق «اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه» پیوست‌نگاری شده است؛ نیز همین هدف قرار است دنبال شود.

توسعه سیاست خارجی، هویت‌سازی بیرونی، استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی-فرهنگی و سایر حوزه‌های ارتباطات بین دولتها و توده‌ها در فرا سرزمینی کشورها هم البته متأثر از تداخلات و تنوع فرهنگی و بازتعریف قدرت نرم دولتها بوده‌اند که این خود باعث بوجود آمدن فرم‌های جدید دیپلماسی عمومی شده است (Fitzpatrick, 2012, p. 432; Wu, 2023).

اندیشکده‌ها باید بین نیازهای تصمیم‌گیرندگان، از یک سو، و استانداردهای تحقیق علمی و جهت‌گیری به سمت خیر عمومی، از سوی دیگر، پل بزنند. این تنش اگرچه به صورت صددرصدی قابل حل نیست، اما می‌توان آن را در یک وضعیت نسبی قابل قبولی در نظر گرفت و برای این کار، تأکید بر صداقت حرفه‌ای اندیشکده‌ها، ضروری خواهد بود.

## ۲. سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی و ابزارهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

قطع به یقین باید بخشی از دموکراتیزه کردن سیاست خارجی کشور در حوزه فرهنگ و مسائل سیاست‌گذاری فرهنگی را، مشارکت فزاینده‌ی ذینفعان داخلی در تدوین، بحث و اجرای دیپلماسی عمومی و خاصه دیپلماسی فرهنگی کشور دانست. بدیهی است که حمایت عمومی داخلی از سیاست خارجی دولت، برای مشروعیت داخلی و بین‌المللی سیاست‌های اتخاذی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی درون و برون مرزی ضروری است.

توسعه سیاست خارجی و امنیتی کشور و تقاضاهای فزاینده عمومی برای شفافیت و پاسخگویی حکومت به سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود در حیطه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در

داخل و خارج و در قبال کشورهای هم‌سو و دارای اشتراکات فرهنگی و یا ناهم‌سو و متعارض، به این معنی است که بی‌توجهی به افکار عمومی و فقدان حمایت عمومی داخلی و بین‌المللی، مشروعیت سیاست‌های اتخاذی حاکمیت در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی و بخصوص هویت بخشی به مسأله‌ی فرهنگ و هزینه‌کرد حاکمیت در این زمینه را تضعیف می‌کند، بنابراین، لازم است متولیان امر، در سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی در حیطه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی، درصدد توضیح سیاست‌های خود در زمینه اقدامات فرهنگی برون‌مرزی خود برای عموم داخلی و عموم ذینفعان کشورهای هدف باشند تا از این طریق، تصویر عمومی مثبتی ایجاد کرده، ارزش‌های ایرانی-اسلامی را پیش برده و مشروعیت عمومی سیاست‌های خود را تقویت کنند.

دیپلماسی فرهنگی یک ارتباط است اما جایگاه آن فراتر از ارتباطات رسمی بین دولت‌هاست و هدفش جلای افکار، اندیشه‌ها و درک متقابل اهداف و مفاهیم است. همه مردم و اقشار جامعه به‌ویژه نخبگان می‌توانند حاملان فرهنگ در جوامع دیگر باشند و دیگر ممالک را از غنای فرهنگی و تمدن کشورشان آگاه سازند (حاجیان و ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۰). عرصه دیپلماسی عمومی فرهنگی باعث می‌شود که فرهنگ و اندیشه فرهنگی نظام، که در عرصه‌های مختلف نظری، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری دولت جلوه‌گر است، به افکار عمومی جهانیان منعکس و جایگاه و منزلت واقعی خود را در نظام بین‌المللی پیدا کند. در غیر این‌صورت با تصویر ناصحیح، عملاً عرصه به نفع تبیین‌های ناصحیح و گاه ناشایست از نظام فرهنگی تغییر یافته و زمینه را برای شکل‌گیری نوع اجماع و توافق جهانی علیه فرهنگ و تمدن غنی کشور فراهم می‌آورد (وحید، ۱۳۸۴: ۳۳۰-۳۱۷).

کشورهای مختلف جهان با درجاتی متفاوت به اهمیت دیپلماسی فرهنگی پی‌برده و هر کدام در حد ظرفیت و توان خود برای پیاده کردن آن تمهیداتی اندیشیده‌اند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به‌طور عام و در حوزه‌ی تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر به‌طور خاص، در گرو استفاده درست از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از یک کشور یا یک حکومت دارند، تنها در سایه‌ی دیپلماسی فرهنگی قابل تغییر و اصلاح است. در کنار به کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به بزرگراه‌های دیپلماسی فرهنگی توجه کرد و با برنامه‌ریزی حساب‌شده در حوزه‌های آموزشی، هنری و فرهنگی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور و در نهایت به تأمین منافع کشور اقدام کرد. در ادامه مطالب به برخی از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده و پس از آن به نقش و جایگاه اندیشکده‌ها و لزوم بکارگیری آنها در توسعه دیپلماسی فرهنگی کشور خواهیم پرداخت.

**وزارت امور خارجه:** وزارت امور خارجه با توجه به وظایف اصلی آن و پیش‌بینی واحدهایی در ساختار آن مانند؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی، انجمن‌های دوستی، اداره کل فرهنگی و ... می‌تواند نقش بسزائی را در اصلاح و ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید، کارکنان وزارت امور خارجه در واقع نماینده فرهنگ و تمدن ایران در خارج از کشور محسوب می‌شوند، به همین جهت آنان باید از توانایی و شخصیت و فرهنگ شایسته‌ای برخوردار باشند تا بتوانند شأن نمایندگی جمهوری اسلامی ایران را حفظ نموده و امکان انتقال پیام نظام را به بهترین وجه فراهم آورند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۶-۱۷۷؛ میرفخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۴۸-۴۳۳).

**وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:** وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در این زمینه دارد، مطابق با وظایف و سیاست‌هایی که برای این وزارت خانه در نظر گرفته شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۹۹).

**سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:** قبل از تشکیل این سازمان، در حدود ۱۲ سازمان و نهاد مختلف در خارج از کشور به فعالیت‌های فرهنگی مشغول بودند. به علت تمرکز امور تبلیغات در خارج از کشور در قالب سازمان واحد، اواخر سال ۷۴ پس از طی مراحل مختلف قانونی و تأیید اساسنامه آن توسط مقام معظم رهبری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رسماً تشکیل شد. بنابراین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان مرکز دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴ خورشیدی برای یکپارچه‌سازی فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور تأسیس شد تا تصویری روشن از فرهنگ و تمدن ایرانی — اسلامی را به جهانیان عرضه نماید (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۹).

**مجمع جهانی اهل البیت علیهم السلام:** مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام سازمانی غیردولتی است که با هدف معرفی اسلام، نشر معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، تقویت وحدت اسلامی و حمایت از پیروان اهل بیت علیهم السلام در جهان تشکیل شده است. این سازمان در سال ۱۳۶۹ش با حمایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی شد (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۹).

**مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:** طرح مسأله تقریب مذاهب در جهان اسلام، به معنای «تزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر و دستیابی به اخوت دینی بر

اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی»، در پی ناهمسازگری‌ها و تفرقه‌های موجود میان جوامع مختلف اسلامی آغاز گردید. تبعات ناشی از این مسئله، در روابط قومی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان هویدا شد؛ و به موازات پیدایش این اختلافات، تلاش در جهت همبستگی و وحدت میان مسلمانان از سوی دانشمندان و مصلحان جامعه اسلامی آغاز گردید. در اثر این تلاش‌ها، تا قرن ششم هجری، تلاقی گسترده اندیشه میان عالمان و حاملان حدیث از مذاهب مختلف اسلامی یافت می‌شود. در این دوران، وجود مناظره‌های علمی بسیار میان اندیشمندان و در اغلب موارد، واقع‌گرایی و تلاش در جهت پیشبرد مطالعات علمی و پژوهشی بدون ابراز تعصب ناروا نسبت به یک مذهب خاص، نشان از نزدیکی و همسازگرایی فرقه‌های گوناگون اسلامی دارد (مجمع جهانی تقریب، ۱۴۰۰).

**جامعه المصطفی** صلی‌الله‌علیه‌وآله **العالمیه**: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور طلاب غیرایرانی در حوزه علمیه قم، به صورت اندک و از طریق دارالتبلیغ اسلامی انجام می‌شد. با پیروزی انقلاب و علاقمندی برخی برای تحصیل علوم دینی در ایران، مسؤولان حوزه «شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی» را ایجاد کردند. این شورا در شهریور سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۵ ادامه داشت. در این سال، شورای سرپرستی با تحول در ساختار به «مرکز جهانی علوم اسلامی» تغییر نام یافت. مرکز جهانی علوم اسلامی تا سال ۱۳۷۲ به شیوه سنتی رایج در حوزه‌های علمیه اداره می‌شد و از آن تاریخ به بعد با انتصاب مدیر از سوی رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای از حالت شورایی و غیرمتمرکز خارج و فعالیت آن تحت نظارت دفتر رهبری قرار گرفت. نظام آموزشی و مدارک مرکز، مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است (مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۰ و ۹).

جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله **العالمیه** نهادی علمی- فرهنگی است که با هویت حوزه‌ای، در عرصه‌ی بین‌الملل فعالیت می‌کند و مهم‌ترین هدف آن گسترش علوم اسلامی و انسانی با رویکرد آموزشی، پژوهشی و تربیتی است. تنوع ملیتی فراگیران، گستردگی شعبه‌ها و نمایندگی‌ها در بسیاری از کشورهای جهان، این نهاد علمی را در زمره‌ی مراکز علمی و فرهنگی برتر جهان قرار داده است. نظام آموزشی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله **العالمیه** از استانداردهای روز دنیا پیروی کرده، به طلاب دانش‌نامه‌ی رسمی اعطا می‌نماید (پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۹۴).

### ۳. اتاق فکر یا اندیشکده

اتاق فکر جایی است که تفکر جمعی روشمند رخ می‌دهد. روش‌مندی در این ساختار بسیار مهم است چراکه تفکر جمعی، روش و شیوه خاص خودش را دارد و فعالیت‌های سلیقه‌ای به‌شمار

نمی‌آید (خانجانخانی، تکیان و نجیبی، ۱۴۰۱: ۹۵-۸۸). اتاق فکر<sup>۱</sup> یک سازمان متشکل از گروهی از نفرات خبره صاحب فکر و اندیشه و نوآور است که بر اساس روش‌های جمع‌اندیشی و بهره‌گیری حداکثری از خرد جمعی و شبکه مشاوران تخصصی به ارائه راه‌حل‌های خلاقانه برای حل ریشه‌ای مشکلات موجود و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های کلان می‌پردازند. اندیشکده، اندیشگاه، مرکز مطالعات استراتژیک، مخزن فکری، کارخانه‌های فکر، کارخانه‌های مغز و کارخانه‌های ایده برخی از عباراتی است که برای این نوع سازمان‌ها در ادبیات فارسی استفاده شده است.

نقش اولیه اتاق‌های فکر، ایجاد پل بین جهان ایده و عمل می‌باشد. واژه *Think tank* یا اتاق فکر برای اولین بار به‌طور رسمی در ایالات متحده و در خلال جنگ جهانی دوم مطرح شد، اما اصطلاح *Think tank* برای اشاره به فضاهای خاص و امنی که طراحان و استراتژیست‌های نظامی برای تبادل نظر در آن اجتماع می‌کردند، استفاده می‌شد. با گذشت زمان کاربرد این اصطلاح نیز گسترده‌تر شد و حوزه معنایی وسیع‌تری را دربرگرفت.

نسل اول اتاق‌های فکر ایالات متحده، مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی بودند که در دهه اول قرن ۲۰ باهدف انجام پروژه‌های آکادمیک، تربیت نخبگان سیاسی، جهت‌دهی غیرمستقیم سیاست‌های دولت بدون جهت‌گیری سیاسی و یا گرایش به جناح سیاسی خاص شکل گرفتند. مؤسسه‌ی تحقیقاتی دولتی (*The Institute for Government Research 1916*)، مؤسسه بروکینگز ۱۹۷۲ (*Brookings Institution*) و مؤسسه دست راستی آمریکن اینترپرایز (*The American Enterprise*)، مهم‌ترین نمونه‌های نسل اول اتاق‌های فکر در ایالات متحده می‌باشند.

نسل دوم اتاق‌های فکر در ایالات متحده تقریباً هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود نهادند. جهت‌گیری این اتاق‌های فکر با توجه به شرایط جدید بین‌المللی (ظهور ابر قدرتهای جدید و انزوای اقتصادی، سیاسی و نظامی اکثر کشورهای اروپایی، آغاز دوران جنگ سرد و دیگر ملزومات یک جهان دوقطبی) بسیار متفاوت با نسل اول اتاق‌های فکر بود. شرکت *RAND* طرف قرارداد نیروی هوایی ارتش ایالات متحده (۱۹۴۸)، مؤسسه هادسون (*Hudson Institute*) و مؤسسه اربن (*Urban Institute*) نمونه‌هایی از اتاق‌های فکر نسل دوم ایالات متحده می‌باشند (طبرسا و دهقان، ۱۳۸۹: ۶۵-۵۸).

نسل سوم اتاق‌های فکر تقریباً تحولی عظیم در مؤسسات مطالعاتی تحقیقاتی به‌وجود آوردند. این نسل از اتاق‌های فکر هم‌زمان با اوج مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری در آمریکا به‌وجود آمدند. تلاش عمده این نسل از اتاق‌های فکر، یافتن بازار مناسب برای محصولات به اصطلاح روشنفکرانه و عالمانه خود بود. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (*The center for strategic and*

<sup>۱</sup>. *Think tank*

*international studies*)، بنیاد هریتج (Heritage Foundation 1963) و مؤسسه کاتو (CATO 1997) نمونه‌هایی از اتاق‌های فکر نسل سوم آمریکا می‌باشند.

#### ۴. ضرورت‌های وجود اتاق فکر در عرصه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی

یکی از آسیب‌های جدی در حوزه مدیریتی، گرفتار شدن تصمیم‌گیرندگان در گیرودار مسایل اجرایی روزمره است. تا وقتی مدیران سرگرم طی روال‌های از پیش تعیین شده، شرکت در جلسات، پاسخگویی به مراسلات و مانند این‌ها هستند، فرصت چندانی برای تفکر و اندیشه نخواهند یافت و در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر هم فرصت این کار را بیابند در تصمیم‌گیری، تکیه بر تفکر منفرد دستیابی به موفقیت را تضمین نمی‌کند، بنابراین لازمه عبور از این چالش، ایجاد ساختاری است که بتوان از طریق آن فکر را غنی و بارور ساخت. پس می‌توان گفت که اتاق فکر، مرکزی مطالعاتی پژوهشی است که در آن مطالعات و تحقیقات کاربردی انجام می‌شود و برای حل مسایل، خلق ایده‌های جدید و تدوین ایده‌های کلی شکل گرفته و پیشنهاد‌های خام به سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و قابل اجرا تبدیل می‌شود (کریمی، سلطانی و بخشایشی اردستانی، ۱۳۹۹: ۶۴-۳۹).

این موضوع و این فشل بودن ساختاری و البته عدم تدوین مناسب از دورنمای آتی و چالش حل و یا حتی پیش از حل، شناسایی مسئله یا مسائل فرهنگی در برخی از نهادها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، بسیار مشهود و در جاهایی حتی با سوء مدیریت و عدم داشتن نگاه علمی و بی‌توجهی به آینده پژوهی، سوای اینکه نتوانسته‌اند گرهی از مشکلات فرهنگی داخلی بازکنند، که در جاهایی هم خودشان تبدیل به یک چالش شده‌اند و بدون آنکه حداقل پیشرفتی در نگاه مدرن و تبلیغات امروزی نسبت به اشاعه فرهنگ و اندیشه ایرانی-اسلامی و جذب مخاطب درون و برون مرزی داشته باشند.

از این رهگذر، مشارکت کانون‌های فکری یا همان اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری عمومی و فرهنگی کشور، هم‌چنین، ارائه‌ی ایده‌ها و توصیه‌هایی در مورد نحوه برخورد با موضوعات پیچیده‌ی فرهنگی، ارائه چشم‌انداز برای آینده، تقویت هویت و ارزش‌های مشترک فرهنگی و ...، بستر مناسبی برای تقویت وجهه‌ی دموکراتیک حکومت و نیز ابزار تأثیرگذاری برای کسب مشروعیت داخلی و بین‌المللی در عرصه دیپلماسی فرهنگی و کمک کننده به ابزارهای فرهنگی جمهوری اسلامی است. کما اینکه، اتاق فکر به این ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و حتی سازمان‌ها و ساختارهای مشابه کمک می‌کند تا مسأله فرهنگی را اولاً به درستی شناخته و دوم اینکه منابع محدود و امکانات مالی و سرمایه‌های انسانی را خرج اهداف ثانوی نکنند و در اصطلاح در نبد فرهنگی فعلی و آتی پیش‌روی



کشور، دیده‌بان و «نقطه‌زن» باشند و این مهم جز با ورود دیپلماسی فرهنگی به عرصه عملیاتی اتاق‌های فکر و اندیشکده‌های تخصصی ممکن نیست.

در اتاق فکر، شکل‌گیری و تولید اندیشه‌ها تقویت گردیده و از نابودی و به دست فراموشی سپرده شدن و فرسودگی آن‌ها جلوگیری می‌کند. شاید موضوع اتاق فکر، موضوع تازه و نویی به نظر نرسد، اما نقش ارزشمند اتاق‌های فکر در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تأثیر مثبت آن در توسعه و ارتقای سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های ارائه‌دهنده‌ی خدمات فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی درون و برون مرزی، می‌تواند باعث شود که این تشکیلات غیرساختارمند گذشته، امروزه جایگاهی در ساختار سازمان‌های علم محور و تحول آفرین و با افق و چشم‌انداز ۱۰ ساله و یا بلکه افق دیدی وسیع‌تر و آینده پژوهانه پیدا کنند.

اندیشکده‌ها با تدوین «برنامه‌های راهبردی»<sup>۱</sup> و تبیین «رویکردهایی نظام‌مند» در صدد تأثیرگذاری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و مدیریت پروژه و تصمیم‌سازی در حوزه‌های مختلف حکمرانی، افکار عمومی، آفرینش، ایده‌سازی و ... در کوتاه مدت یا درازمدت هستند (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی در مدل شبکه‌ای روابط بین‌الملل، مؤثرتر از مدل سنتی سلسله‌مراتبی دولت محور است (Hocking, 2005). سرمایه‌ی شبکه‌ای اندیشکده‌های ایرانی، به‌عنوان شکل خاصی از سرمایه‌ی اجتماعی که به‌عنوان «داشتن یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده» و «تأسیس اجتماعی و تضمین شده با استفاده از یک نام مشترک» تعریف می‌شود (Bourdieu, 1986: pp. 248-249; Bajenova, 2023; Mende & Müller, 2023)، در چارچوب سیاست‌گذاری عمومی و فرهنگی جمهوری اسلامی مهم است؛ زیرا مشروعیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی را از طریق عضویت این اندیشکده‌ها در شبکه‌های فراملی اتاق‌های فکر و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و احیاناً جهت‌دهی به آن، تقویت می‌کند.

اندیشکده‌ها با داشتن یک تصویر شفاف از آنچه که برای آن‌ها مأموریت یافته‌اند و آن چیزی که می‌خواهند انجام دهند، فعالیت‌های خود را تنظیم و راهبردهای خود را نظام‌مند و هدف‌گذاری می‌کنند و در نهایت با شناسایی منابع و تولید داده‌های منطبق بر راهبردهای مشخص شده، به تدوین الگوهای عملیاتی پرداخته و اثرگذاری و اثرپذیری این الگوها را بر مخاطبان خود شناسایی و به واسطه‌ی یک سیستم منسجم گردآوری بازخوردها مورد سنجش قرار می‌دهند (عباسی و یادگاری، ۱۳۹۳) و در نهایت با پیش‌بینی موانع و بررسی چالش‌های پیش‌رو، به یک برنامه‌ی مدون و کامل برای هدایت راهبردی در حیطه‌ی مورد هدف می‌رسند. که این برنامه‌ی هدایتی و راهبردمحور

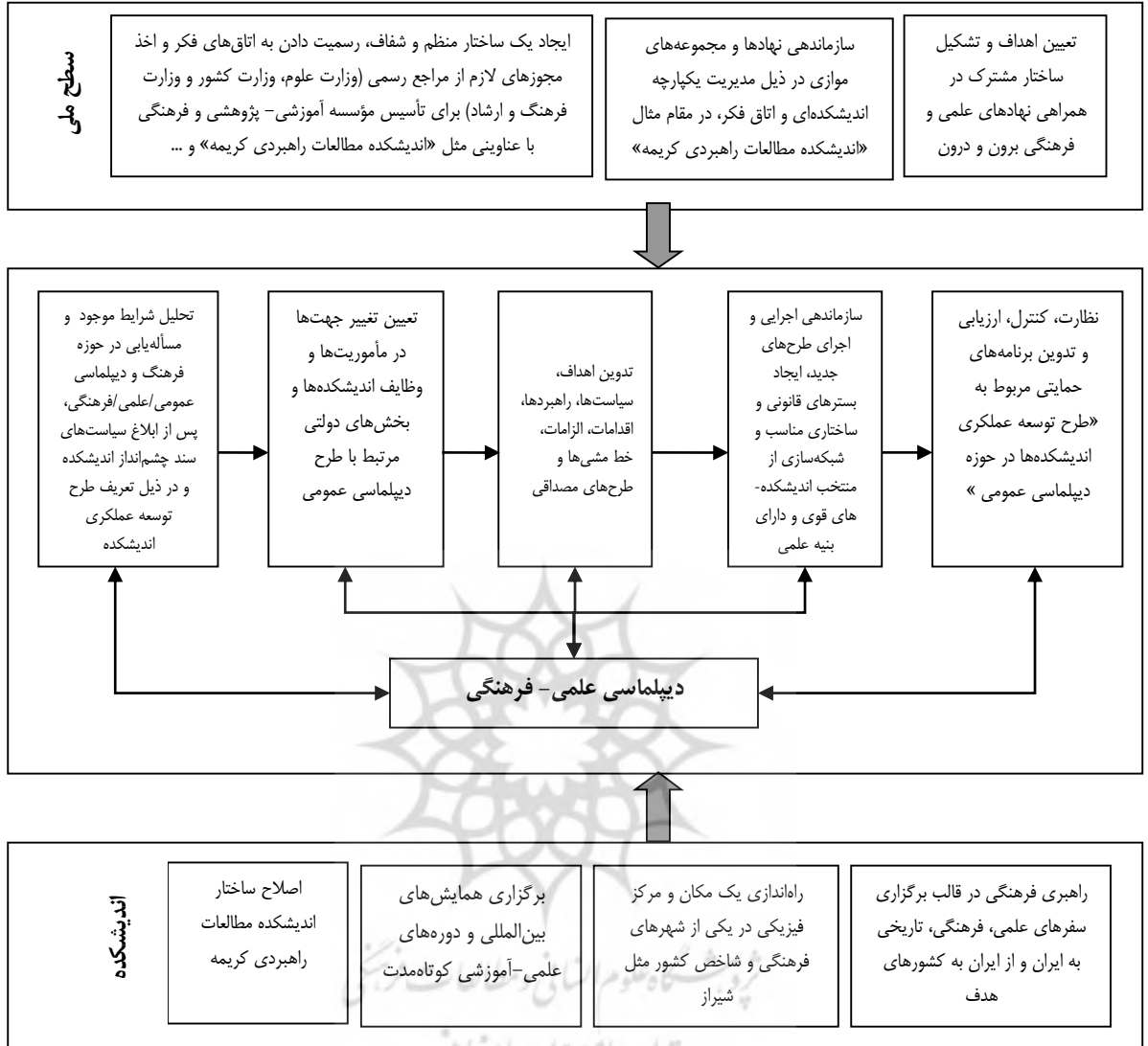
<sup>۱</sup>. Strategic plans

می‌تواند الگوی عملیاتی جامعه برای رسیدن به اهداف خود باشد (اینانلو، فتاحیو دیگران، ۱۳۹۶: ۴۴-۳۳).

اگر مدیران در گذشته صرفاً با تکیه بر دانش خود و حلقه محدود مشاوران به اداره امور عمومی یک سازمان همت می‌گماردند، اینک با گسترش مأموریت‌ها و گستره سرزمینی وظایف محوله و بهره‌گیری از ساز و کارهای گسترده‌ی سازمانی امروزی نمی‌توانند به اداره‌ی همه جانبه امور بپردازند، در صورتی که می‌توانند در تصمیم‌گیری خود و با بهره‌گیری از تفکر جمعی، ضمن شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف، خط‌پذیری عملکرد خود را به حداقل کاهش دهند. اهتمام، تعهد و توجه ویژه‌ی اهل تفکر به این کانون‌های فکر و تولیدکننده‌های فکر و هم‌چنین بازبینی علمی مستمر و منظم آن‌ها برای مصون ماندن از آسیب‌های احتمالی مسأله‌ای ضروری است.

به‌عبارتی ساده‌تر، یکی از عادت‌های بدی که دامنگیر اکثریت جامعه ایرانی‌ست، عمل پیش از تفکر یا تفکر پس از عمل است؛ که راه برون رفت از این سیکل معیوب، نهادینه‌سازی الگوی عمل مبتنی بر معرفت و شناخت است. اتاق فکر، مغزی برای اندیشیدن، ذهنی برای پرواز کردن و فکری برای گشودن است (خانجانی، تکیان و نجیبی، ۱۴۰۱: ۹۵-۸۸). اتاق فکر عرصه‌ای است که در آن خرد جمعی به منصفی ظهور می‌رسد. در این فضا، شرکت‌کنندگان درخصوص مسایل و موضوعات مورد بحث، به اجماعی همگانی دست می‌یابند، چراکه در این‌جا دیگر از روابط قدرت خبری نیست و از این روست که ترجیحاً اندیشکده‌ها نباید حاکمیتی باشند و یا در قالب و ساختار سازمان‌های حاکمیتی با همان بروکراسی دست‌وپاگیرشان، استحاله شوند.

اندیشکده‌ها، فارغ از بروکراسی اداری و سلسله‌مراتبی دانشگاه‌ها و مراکز علمی حاکمیتی، بنا به ساختار منسجم و شبکه‌فکری به‌روزی که دارند، چابک و در لحظه می‌توانند به‌عنوان حلقه‌ی واسطه علمی میان سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان حاکمیتی در رأس و توده و مخاطبان همان سیاست‌هایی که قرار است توسط سیاست‌سازان اتخاذ شود، در قانده، عمل کرده و در شناسایی مسائل حقیقی جامعه، کلان مسائل کف میدانی و در نهایت تحقق علمی و تصمیم‌سازی‌های کاربردی، بنیادین و مبتنی بر واقعیت حاکمیتی، مؤثر و موفق و در یک معادله دوسر سود هم به نفع توده به‌عنوان بستر پیاده‌سازی قوانین و تصمیمات موضوعه و هم به نفع حاکمیت به‌عنوان مجری و تصمیم‌گیر و واضع قوانین مکشوفه، انجام وظیفه کنند. و به همین نسبت ایران ۱۴۱۴ و یا افق‌های آتی‌تر، را رسیدن به تعادل و تناسب و رابطه مطلوب میان توده و سیاست‌گذار و هم‌چنین رسیدن به عقلانیت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در ذیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی درون و برون مرزی خود، گریزی از به رسمیت شناختن اندیشکده‌ها و تقویت این اتاق‌های فکر به‌عنوان حلقه‌های میانه‌ای حکمرانی خود ندارد.



نمودار شماره ۱: ترسیم جریان اجرا و ملزومات طرح اندیشکده‌های فعال در حوزه دیپلماسی علمی-فرهنگی در دو سطح ملی و داخلی

## ۵. ویژگی‌های اتاق فکر

**جمع‌اندیشی:** افزایش حجم اطلاعات، گسترش روابط و افزایش عوامل تأثیرگذار در امر تصمیم‌سازی و استراتژی‌پردازی، ضرورت تفکر جمعی و هم‌اندیشی را محرز کرده است. اتاق فکر الگوی سازمانی هم‌اندیشی است که در پرتو این ضرورت به‌وجود آمده است. فعالیت اتاق‌های

فکر باعث شد که فرآیند هم‌اندیشی رشد و گسترش پیدا کند و توانایی خود را برای حل مسایل بزرگ نشان دهد.

**تولید فرآورده‌های فکر و انتقال به مخاطب:** یکی از وظایف اتاق‌های فکر، تولید و خلق ایده‌های مناسب برای حل مسایل و همچنین تدوین، صورت‌بندی و مستندسازی آن‌هاست، زیرا اگر ایده‌ها و آرای به دست آمده، جمع‌بندی و خلاصه‌سازی نشود و به‌گونه‌ای مفید و جذاب برای مخاطبان، ارایه نشوند، اتاق فکر به اهداف خود دست نیافته‌است، بنابراین اتاق‌های فکر، علاوه بر شناخت و حل مسایل، تلاش عمده‌ای را صرف رساندن پیام‌های خود به مخاطبان تا حصول بهترین نتایج، به عمل می‌آورند.

**معطوف بودن کوشش‌ها به مسایل روز:** روح حاکم بر فعالیت اتاق‌های فکر و آنچه که در بطن تمام فعالیت‌هایی که در اتاق‌های فکر صورت می‌گیرد، باید معطوف به تصمیم‌سازی و استراتژی‌پردازی بر روی مسایل روز جامعه باشد. مسایلی که اگر به آن‌ها پرداخته نشود، مشکلاتی برای حل و آینده مجموعه به‌جای می‌گذارد (علی نوری، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۱۵).

**درگیر نشدن در مسایل اجرایی و تشریفات رسمی سیاستگزاری:** اتاق‌های فکر سیاست‌ساز هستند نه سیاست‌گزار، بدین معنی که این اتاق‌های فکر بیش‌تر نهادهایی پیشنهاد دهنده هستند و درگیر مسایل تشریفات و حقوقی سیاستگزاری نمی‌شوند. هم‌چنین اتاق‌های فکر در تعامل با دستگاه‌هایی اجرایی، صرفاً تصمیم‌ساز هستند و نباید درگیر مسایل اجرایی و یا توجیه کارشناسانه‌ی تصمیم‌های روزمره دستگاه‌ها شوند (امیری، ۱۳۸۴: ۸۸و۸۹).

## ۶. رشد کمی و کیفی اندیشکده‌های کمک‌کننده به دیپلماسی عمومی و سیاست-گذاری‌های عمومی در ایران و جهان

«برنامه اندیشکده و جوامع مدنی»<sup>۱</sup> در دانشگاه پنسیلوانیا، تحقیقاتی را درباره نقش نهادهای سیاست‌گذاری در حکومت‌ها و جوامع مدنی سراسر دنیا انجام می‌دهد. این مرکز که اغلب از آن به‌عنوان اندیشکده‌ی اندیشکده‌ها یاد می‌شود، نقش در حال تکامل سازمان‌های تحقیقاتی سیاست‌گذاری عمومی را بررسی می‌نماید.

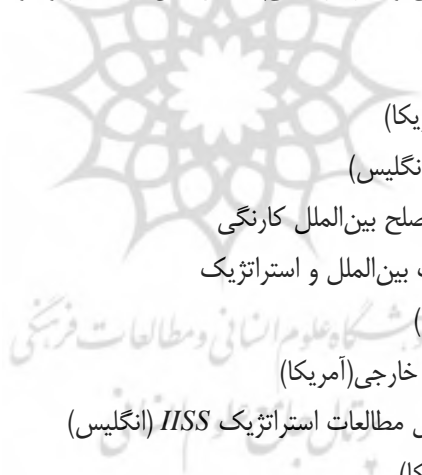
<sup>۱</sup>. Think Tanks and Civil Societies Program (TTCSP)



**Think Tanks & Civil Societies Program**  
**The Launder Institute**  
*The University of Pennsylvania*

براساس گزارش «برنامه اندیشکده و جوامع مدنی» دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۲۰۰۸ در سراسر جهان در مجموع ۵۴۶۵ گروه‌های مطالعاتی (اتاق‌های فکر) وجود داشتند که نسبت به سال ۲۰۰۷ (۵۰۸۰) این تعداد نه در صد افزایش داشته است. تعداد گروه‌های مطالعاتی در مناطق مختلف جهان به شرح ذیل می‌باشد: آمریکای شمالی: ۱۸۷۲، اروپای غربی: ۱۲۰۸، آسیا: ۶۵۳، اروپای شرقی ۵۱۴، آمریکای لاتین و کاریب: ۵۳۸، آفریقا: ۴۲۴، خاورمیانه و آفریقای شمالی: ۲۱۸ و استرالیا و اقیانوسیه: ۳۸

گزارش رده‌بندی سال ۲۰۱۵ نهمین گزارش سالیانه مرکز برنامه اندیشکده و جوامع مدنی است که بر روندهای مهم اندیشکده‌های جهانی تأکید می‌کند. بر مبنای همین گزارش، برترین اندیشکده‌های دنیا (آمریکایی و غیرآمریکایی) شامل اتاق‌های فکر و مؤسسات زیر می‌باشد:



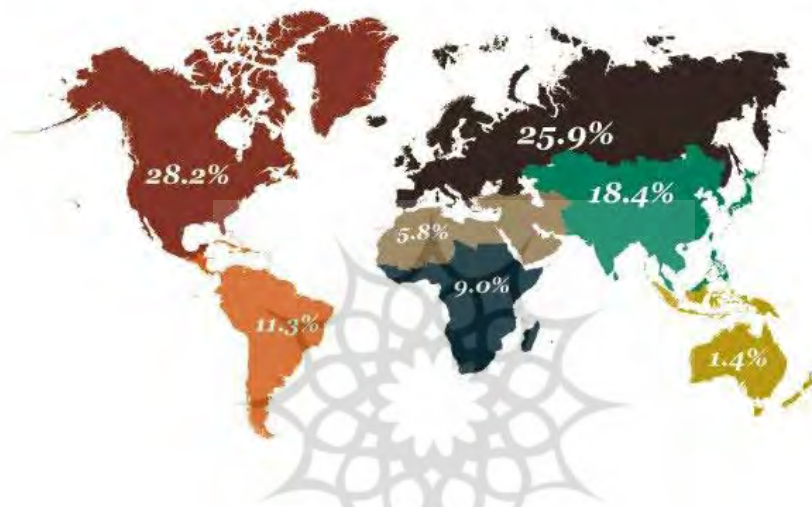
- بروکینگز (آمریکا)
- چتم هاوس (انگلیس)
- بنیاد موقوفه صلح بین‌الملل کارنگی
- مرکز مطالعات بین‌الملل و استراتژیک
- بروگل (بلژیک)
- شورای روابط خارجی (آمریکا)
- مرکز بین‌الملل مطالعات استراتژیک *IISS* (انگلیس)
- بنیاد رند (آمریکا)
- مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون (آمریکا)

در حال حاضر، ایالات متحده آمریکا با ۱۸۳۵ مؤسسه مطالعاتی، چین با ۴۳۵، انگلستان ۲۸۸ و هند ۲۸۰ مؤسسه مطالعاتی به ترتیب اول تا چهارم هستند. ایران با حدود ۵۹ مؤسسه در رده بسیار پایینی (رده هجدهم) قرار دارد. کشورهای آسیایی بعد از جنگ دوم جهان بصورت جدی به تأسیس «کانون‌های تفکر» پرداختند. البته ژاپن از این جهت، از دیگر کشورهای آسیایی پیشروتر است و تقریباً از اوایل قرن بیستم به ایجاد این کانون‌ها دست زد.

### تعداد اندیشکده‌های دنیا در سال ۲۰۱۵



### توزیع جهانی اندیشکده‌ها بر اساس مناطق مختلف



در مجموع، دلایل بسیاری را می‌توان برای رشد چشم‌گیر اندیشکده‌ها در قرن‌های بیست و بیست و یکم در سراسر دنیا برشمرد. از جمله این عوامل، می‌توان به اختصار به موارد زیر اشاره نمود.

- انقلاب اطلاعات و فناوری (ادیانی، ۱۳۸۳: ۸۹-۶۷)
- پایان انحصار دولت‌های ملی بر اطلاعات
- تمایل دولت‌ها برای کوچک‌سازی و برون‌سپاری وظایف
- ارتقاء جوامع و بازتعریف جوامع مدنی از طریق تشکیل شبکه‌های درهم‌پیچیده حلقه‌های میانی
- افزایش پیچیدگی و ذات فنی مشکلات سیاست‌گذاری
- افزایش اندازه دولت‌ها
- بحران اعتماد در دولت‌ها و مقامات منتخب
- جهانی‌سازی و رشد بازیگران دولتی و غیردولتی

و به همین نسبت، از جمله‌ی عواملی که مانع رسمیت یافتن و یا لاقبل به رسمیت شناخته شدن اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر مستقل از حاکمیت و در نتیجه رشد کند این عناصر حیاتی و آینده‌ساز ایران ۱۴۱۴ در حال حاضر شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. تمایل وزارت علوم به نظارت و سیطره کامل و بروکراتیک در قالب مرکز علمی، پژوهشکده و پژوهشگاه و با ابلاغ قوانین دست و پاگیر و کهنه و به تبع آن رسمیت نشناختن اندیشکده‌ها توسط حاکمیت که عملاً راه‌اندازی اندیشکده و اتاق فکر توسط نخبه‌های بیرون از بدنه دانشگاهی وزارت علوم را غیر ممکن و راه‌اندازی پژوهشکده و پژوهشگاه هم به ناچار در ذیل سازمان‌های حاکمیتی و دانشگاه‌های جامع و مادر قابل اجرا و شکل‌گیری است و اغلب این پژوهشکده‌ها هم ناچار هستند در ذیل ساختار بروکراتیک و کم سرعت همان دانشگاه‌ها عمل نمایند و عملاً کارایی و چابکی یک اندیشکده را نخواهند داشت.

۲. احساس رقابت دانشگاه‌ها با اندیشکده‌ها در دو حیطه‌ی مهم «فرایندهای سیاست‌گذاری» و «تاکتیک-راهبرد محور کردن تولیدات علمی» و عقب‌ماندن دانشگاه‌ها از اندیشکده‌ها به دلیل فریه‌بودن و نداشتن نگاه فرارشته‌ای دانشگاه و چابک بودن و بینارشته‌ای اندیشکده از یک سو و سیاسی بودن و متفاوت بودن تصمیم‌سازی‌های دانشگاه‌ها در دوره‌های سیاسی و دولت‌های قبلی و بعدی و ... و در نهایت تمایل اندیشکده‌ها برای ایجاد تعادل بین علم و تجربه و بهره‌مندی از افراد مجری و افراد علمی در ساختار خود در مقابل سیستم صرفاً آکادمیک دانشگاه، در نهایت به این نقطه رسیده است که سیستم علمی و دانشگاهی، با به رسمیت نشناختن اندیشکده‌ها و یا در نهایت تعریف این مراکز فکری در ذیل وزارت علوم، عملاً اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در ایران را محدود و ناکارآمد کرده است؛ این درحالی است که اندیشکده مکمل مراکز علمی-دانشگاه حاکمیتی و کمک‌کننده به دانشگاه و حاکمیت و این نگاهی است که هنوز در کشور ما نهادینه نشده است.

۳. نبود «فضای اندیشکده‌ای»<sup>۱</sup> و زیرساخت‌های متناسب با راه‌اندازی اتاق فکر در ایران، بی‌شناسنامه بودن اندیشکده‌ها و تقلیل معنای واقعی اتاق‌های فکر، لاجرم منتهی به رشد قارچ‌گونه‌ی شبه‌اندیشکده‌ای با حداقل کارایی فرامتنی و آینده پژوهانه شده است.

۴. بی‌اعتمادی حاکمیت به نظرات مشورتی اندیشکده‌ها و محدودیت‌های مالی، داده‌ای و سرمایه‌ی انسانی اندیشکده‌های مستقل و تبدیل این اندیشکده‌ها به رکن توجیه‌کننده سیاست‌ها بعد از اجرا.

۵. یکی از مهم‌ترین عوامل بقای اتاق فکرها، «منابع مالی» آنهاست که فارغ از وابستگی به جریان‌های سیاسی و سیاست‌گزاران مستقر در بدنه حاکمیت، بتوانند نگاه علمی و نظر کارشناسانه‌ی خود در رابطه با مسائل جاری و آتی حاکمیتی را برای ارتقاء سطح کیفی سیاست‌گذاری‌ها، بدون

<sup>۱</sup>. Think tank Space

واهمه از قطع بودجه و یا غضب مجری و سیاست‌گذار، ارائه دهند. متأسفانه در حال حاضر این منبع مالی مطمئن و مشخص وجود ندارد. شاید اگر در زمینه وقف به عنوان یک حُسن دینی-اسلامی، اندیشکده‌ها هم موضوعیت می‌افتند، تا اندازه زیادی در تکثیر این عنصر حیاتی و آینده‌ساز یاری رسان می‌بود. و به دلیل همین منبع مالی نامطمئن است که اندیشکده‌ها معمولاً در نگهداشت نیروهای نخبه‌ی فکری و کارآمد خود برای یک مدت طولانی عاجز هستند و در تأمین مالی و پرداخت دستمزد و حقوق ماهیانه و حق بیمه و ... و مزایای یک شغل پژوهشی ناتوان هستند و در نتیجه به عدم ثبات نیروی انسانی اندیشکده‌ها و قائم به شخص بودن آنها منتهی شده است. به همین دلیل، میانگین حضور افراد در یک اندیشکده در ایران کمتر از ۴ سال است. و متأسفانه مدل موفق و کارآمدی که مظهر از فاسد شدن مالی اندیشکده‌ها هم باشد، برای رفع این نقصان مهم و تقویت شریان حیاتی اندیشکده‌ها در ایران تعریف نشده و وجود ندارد.

۶. عضوگیری برخی اندیشکده‌های تأسیسی با هدف بهره‌مندی از رانتهای خاص و فسادانگیز و تبدیل اندیشکده‌ها به گروه‌های ذی‌نفوذ یا حتی لابی‌گر و ابزار دست سیاست‌بازان در سال‌های اخیر در کشور، عملاً این نهاد فکری را دچار چالش کرده است. این درحالی است که تصور می‌شد اتاق‌های فکر، سازوکاری برای پیشنهاد و ارائه اصول علمی و مشورت به حاکمیت در سیاست‌گذاری هستند و این موضوعی است که امروزه توسط سیاست‌گذاران و حتی اندیشکده‌ها به ندرت جدی گرفته می‌شود.

۷. عدم دسترسی اندیشکده‌ها به «منابع داده‌ای دست‌اول و مطمئن» متأثر از بی‌اعتمادی سیاست‌گذار به اندیشکده‌ها باعث شده است اندیشکده‌ها به منابع اطلاعاتی و دیتاهای مطمئن و واقعی دسترسی نداشته و درنهایت، راه‌حل‌های ارائه شده توسط اندیشکده‌ها که مبتنی بر داده‌های دست‌چندم و عمومی تعریف شده‌اند، جذابیت لازم برای سیاست‌گذار را نداشته باشد و به مرور باعث به حاشیه رفتن اندیشکده و درنهایت آقاء ناکارآمدی اندیشکده‌ها و عدم تمایل سیاست‌گذاران برای همراهی و مشورت‌گیری از اندیشکده‌ها شده است.

۸. مینیمال شدن مفهوم اندیشکده و اتاق فکر در ایران و برخورد فانتزی با اتاق‌های فکر و بی‌اثر کردن این رکن علمی و آینده که الگوی ناقص و اشتباهی از اتاق فکر داشته و عملاً دچار همان استحاله عملکردی غالب پژوهشکده و پژوهشگاه‌ها و بلکه فربه‌تر، ساخت‌نیافته‌تر و متکثرتر از آنها شده و بدون اینکه حتی در یک قالب مشخص علمی و عملیاتی امکان ارائه یک فکر را داشته باشند، صرفاً تبدیل به حاشیه‌ی پرآشوبی برای هدررفت این موضوع مهم شده‌اند.

۹. «پیشنهاد محور» بودن اندیشکده‌ها در ایران در مقابل «تقاضا محور بودن» اندیشکده‌ها در سایر کشورها، به این معنا که در سیستم و فرایند سیاسی از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاست‌گذار تا اجرای آن توسط مخاطبان سیاست اتخاذ شده در لایه‌های پایینی جامعه و در قاعده این فرایند، اندیشکده به‌عنوان یک عضو رسمی و تعریف شده حضور دارد که «تقاضا» را از سیاست‌گذار و



تصمیم‌ساز حاکمیتی دریافت می‌کند و با تولید الگو و راهبرد و درنهایت نحوه‌ی مناسب اجرا، آن را به سیاست‌گذار برای تعریف سیاست برمی‌گرداند؛ اما در کشور ما، به دلیل همین جایگاه غیر رسمی اندیشکده‌ها در حلقه‌های میانی حاکمیت، این اندیشکده‌ها هستند که خودشان به‌دنبال شناسایی مسائل می‌روند و راهبردهای تولیدشده را به سیاست‌گذار «پیشنهاد» داده و به حلقه‌های بالای چرخه‌ی سیاست‌گذاری عرضه می‌کنند و معمولاً هم این عرضه چون تناسبی با تقاضای سیاست‌گذار ندارد یا لاقفل سیاست‌گذار اینگونه وانمود می‌کند، بنابراین راه به جایی نمی‌برد و به همین دلیل معمولاً عمر اندیشکده‌ها در ایران، مقطعی و کوتاه مدت است.

۱۰. ماده ۹ الحاقی به لایحه برنامه هفتم توسعه و بازگشت به بروکراسی و تصدیگری وزارت علوم بر اندیشکده‌ها هم در مجموعه‌ی تعارضات پیش گفته، آینده اندیشکده‌ها و حیات مستقل و فرادولتی اتاق‌های فکر در ایران را لاقفل تا ایران ۱۴۱۴ با چالش جدی مواجه خواهد کرد. در متن این ماده الحاقی آمده است: «به‌منظور ارتقاء بهره‌وری و اثربخشی پژوهش‌ها و مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور، ترویج نهضت مشارکت و نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی، مردمی و نخبگانی، دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی در حل مسائل پیشرفت کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است ظرف ۶ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، آیین‌نامه‌ی تأسیس، ساماندهی، نظارت و حمایت از فعالیت مراکز و مؤسسات سیاست‌پژوهشی، اندیشگاهی، مطالعات راهبردی، دانشکده‌ها و مدارس حکمرانی را تهیه نموده و به تصویب مراجع ذی‌صلاح با سیر مراحل قانونی خود برساند.»

باهمهی این موانع پیش گفته، اندیشکده‌های ایرانی بسیاری در زمینه‌ی دیپلماسی عمومی و سیاست‌گذاری در کشور فعال هستند و هرکدام ساختاری خود رو و متناسب با مسأله‌ای که در صد حل آن هستند برای خود برگزیده و تقریباً خوداتکا و خودمحور به حیات خود ادامه می‌دهند. از جمله اندیشکده‌های ایرانی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، سیاست‌گذاری و متوجه به مسائل فرهنگی و علمی کشور، در حال حاضر می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز (KSSI)
- اندیشکده تمدن نوین اسلامی
- اندیشکده صبح ایران
- اندیشکده مطالعات جهان اسلام
- شورای راهبردی (اندیشکده) وزارت ورزش و جوانان
- اندیشکده مشیر



- اندیشگاه آفاق
- اندیشکده یقین
- اندیشکده راهبردی امنیت نرم
- اندیشکده برهان
- اندیشکده شریف
- اندیشکده روابط بین‌الملل
- اندیشکده پلی تکنیک
- اندیشکده آتی نگار
- اندیشکده آینده
- اندیشکده سیوان
- اندیشکده تبیین
- اندیشکده صنعت و فناوری
- اندیشکده نانو فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- اندیشکده فارابی
- و ....

## ۷. بحث، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات راهبردی

اندیشکده‌ها فارغ از اینکه به کدام خط و جریان سیاسی اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، میانه‌رو، محافظه‌کار و ... مرتبط باشند؛ از این منظر ارزش‌گذاری می‌شوند که تولیدات محتوایی خود را تا چه اندازه، مبتنی بر واقعیت و مستدل و مستند ارائه می‌دهند. درک غالب از ماهیت اندیشکده‌های فعال در زمینه دیپلماسی عمومی و سیاست‌گذاری فرهنگی این است که این تشکیلات و کانون‌های فکری برای هم‌افزایی تخصص (نیروهای اجرایی کاربلد) و ایده‌های خلاقانه (اندیشمندان و مطلعان صاحب علم) و در جهت تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی فعالیت دارند.

به عبارتی دیگر، دلیل وجودی این اتاق‌های فکر این است که به‌عنوان کاتالیزورهای مهم برای ایده‌ها و اقدام در حیطه دیپلماسی عمومی عمل کنند البته در رویه‌ای مدون، فرایندمحور و زمان‌بر؛ چراکه با مقوله «فرهنگ و اعتبارات و مؤلفه‌های فرهنگی» سروکار دارند. از سوی دیگر انجام فعالیت به‌عنوان یک تسریع‌گر (کاتالیزور) برای ایده‌ها، تنها یک وجهه از نقشی است که اندیشکده‌ها ایفا می‌کنند. نقش اساسی دیگر اندیشکده‌ها، کمک به تعیین دستور کار سیاست است. با این حال، باتوجه به چند وجهی بودن مقولاتی که مربوط به اجتماع و فرهنگ می‌شود، قرار گرفتن در «دستور کار سیاست» یک فرایند پیچیده و زمان‌بر است. بخصوص در ایران به خاطر نگاه بی‌اعتمادانه‌ی

مدیران ارشد علمی در به رسمیت شناختن اندیشکده‌ها، حتی قوی‌ترین اندیشکده‌هایی که به هر نحو به بدنه حاکمیت وابسته و جزئی از ساختار و سیستم دولتی-رسمی هستند هم فرصت‌های کلیدی را برای تبدیل یک ایده‌ی متقاعدکننده و واقعیت به فرایند با ضمانت اجرایی از دست می‌دهند.

در کشور ما که با مشکلات مبرم زیادی مواجه هستیم و فعالیت‌های برون مرزی مراکز فکری و دیپلماسی فرهنگی ما با موانع و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است، ارائه راهبردها و تولید ایده‌های کاربردی که ایران بتواند بر اساس آنها در حیطه دیپلماسی عمومی اقدام و عمل کند. ضروری است. در بهترین حالت، اندیشکده‌هایی از این دست، پتانسیل جذب خلاقیت‌های سیاسی را با واسطه‌گری ایده‌ها، برانگیختن بحث‌های عمومی و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه و در عین حال کاربردی برای مقابله با مبرم‌ترین مشکلات پیش روی کشور در حیطه دیپلماسی عمومی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در افق ترسیم شده پیش‌روی کشور در اسناد تحول و توسعه‌ی بالادستی فی‌الواقع تا سال ۱۴۱۴ به عنوان یک هدف کوتاه یا میان مدت با همین ریل‌گذاری‌های نسبتاً مناسب فعلی؛ البته با جدید نظر در برخی جنبه‌های سیاستی و مدیریتی دارند.

نقش اندیشکده‌ها و کارشناسان در دیپلماسی عمومی شامل ارتقای درک عمومی از مسائل دیپلماتیک و امنیتی و البته به‌گونه‌ای است که با دیدگاه‌های رسمی دولت محدود نشود. انتشار مقالات و گزارشات پژوهشی، برگزاری سمپوزیوم‌های باز و سمینارهایی با چشم انداز مشخص توسط اندیشکده‌ها و کارشناسان آنها، مشارکت‌های فکری در تولید ایده‌هایی برای سیاست‌های دیپلماتیک و امنیتی، ایجاد شبکه‌های فکری جهانی و برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، برای بهبود درک عمومی از مسائل دیپلماتیک و امنیتی و همچنین ارتقاء دیدگاه دولت و حکومت ضروری است و همچنین است که کسب درک عمومی می‌تواند اثربخشی و مقبولیت فعالیت‌های دیپلماتیک ایران در افکار عمومی داخلی و خارجی را افزایش دهد؛ علاوه بر این، جمع‌آوری اطلاعات، انجام تحلیل‌ها و ارائه توصیه‌های سیاست‌گذاری با بهره‌گیری از تخصص و دیدگاه‌های مشابه یا متفاوت با دیدگاه‌های دولت توسط اندیشکده‌ها، بحث‌ها را درباره سیاست‌های دیپلماتیک در داخل دولت نیز غنی می‌کند.

تبادلات فکری جهانی نیز از این نظر مهم است که شناخت توده‌های جوامع دیگر نسبت به ایران و فرهنگ و تاریخ و سیاست ایرانی را در میان کشورها و مناطق مختلف ارتقا می‌دهد و به شکل‌گیری و جهت‌گیری مثبت افکار عمومی در جامعه بین‌المللی نسبت به ایران و فرهنگ و تاریخ و سیاست ایرانی کمک می‌کند. با افزایش پیچیدگی و عدم اطمینان در جامعه بین‌المللی، نقش اتاق‌های فکر و کارشناسان در دیپلماسی به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد. در این زمینه، دولت برای حمایت از فعالیت‌های تحقیقاتی اندیشکده‌های ایرانی در زمینه سیاست خارجی و امنیتی، یارانه‌ها و تسهیلاتی را به‌منظور تقویت توانایی‌های آنها در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات، ارائه پیشنهادات سیاسی و ارتقای بیشتر دیپلماسی جامع ایران می‌تواند ارائه می‌کند.

با این حال در ایران با تضعیف استقلال عملکردی این مراکز پژوهشی، که آن‌ها را وابسته و قائم به سیاست‌های درست یا غلط وزارتخانه‌های علوم، جبهه‌های سیاسی و ... نموده است و هم‌چنین کلیشه‌ای شدن عملکرد اندیشکده‌ها و بنگاهداری برخی اندیشکده‌ها و یا حتی در صورت اصولی کار کردن اندیشکده‌ها، چون ممکن است در درازمدت و سال‌ها و اگر نگوئیم دهه‌ها به نتایج تولید دانشی دست بیابند، خود را نیازمند حمایت مادی و معنوی می‌بینند که این‌چنین حمایتی از این حوزه‌های تولید محتوایی و دانشی، اصلاً و لاقلاً تا لحظه‌ی حال در کشور ما تعریف نشده و ناشناخته است و این‌گونه است که عملاً این حوزه مهم تولید محتوا و عملگر را دچار ضعف عملکردی نموده است.

از جمله‌ی ضعف‌های عمده‌ی اندیشکده‌های ایران می‌توان به وابستگی‌های سازمانی، نداشتن هدف راهبردی مشخص، قائم به شخص بودن و مهندسی نتایج تحقیقات به نفع حزب و گروه خاص، کپی برداری صرف از ظاهر یک اتاق فکر و مرکز پژوهشی بدون توجه به محتوا و عمق بخشی به آن، اختصاص بودجه‌های کلان ملی به اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر وابسته اعم از حاکمیتی یا منتسبان شخصی و رانتی، قوانین دست‌وپاگیر دولتی و وزارتی که عملاً قدرت ابتکار و خلاقیت را از اندیشکده و پژوهشکده و پژوهشگاه‌ها گرفته و ... اشاره نمود که بخصوص این مشکلات در حیطه اندیشکده‌های فعال در دیپلماسی فرهنگی به دلیل وسعت معنایی مسائل فرهنگی و چندوجهی بودن این مسائل، نمود بیشتری دارد.

علیرغم این‌که اندیشکده‌های فعال در سیاست‌گذاری عمومی و دیپلماسی فرهنگی برای پیشبرد اهداف خود نیازمند صرف هزینه‌های گاه کلان و مدت‌دار برای رسیدن به نتیجه هستند- که این امر هم به دلیل فرایندی بودن و دیر نتیجه دادن امور فرهنگی و بعضاً غیرقابل اندازه‌گیری بودن اثرگذاری فعالیت‌های فرهنگی است- هستند و این یک ضرورت انکارناپذیر است؛ اما اختصاص بودجه و صرف هزینه‌های کلان برای یک مرکز پژوهشی و اتاق فکر دیپلماسی محور و البته فرهنگ محور، الزاماً به خلق و تولید راهبردهای خلاقانه و تأثیرگذار لاقلاً در فضای ناشناخته برون مرزی و مخاطبان غیر ایرانی نمی‌انجامد، بلکه برخورداری از حداقل‌های لازم مالی در کنار شناخت درست از یک مساله فرهنگی و داشتن یک راهبرد ایده محور و برنامه‌ی فرارسی شفاف و خوداندگاری اندیشکده‌ها در نقش‌هایی که در جامعه و برای اثرگذاری در حوزه‌های اختصاصی از جمله دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی بر عهده می‌گیرند، برای رسیدن به آن چیزی که ما در این‌جا نامش را «هدایت راهبردی»<sup>۱</sup> در مقوله دیپلماسی عمومی و سپهر فرهنگی ایران و سرزمین‌های پیرامونی هم‌فرهنگ می‌نامیم، بسیار کارگشا و تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

<sup>۱</sup>. Strategic guidance

۱. بخشی از بودجه‌های سازمان‌های دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی کشور مثل جامعه المصطفی، مجمع تقریر مذاهب، رایزنی‌های فرهنگی و ... در ذیل قانون «مسئولیت اجتماعی» این سازمان‌ها به اندیشکده‌های فعال در عرصه دیپلماسی عمومی اختصاص یابد.

۲. در تصویب ماده ۹ الحاقی به لایحه برنامه هفتم توسعه و تصدی‌گری وزارت علوم نسبت به اندیشکده‌ها تجدید نظر و در عین شناسنامه‌دار کردن و به رسمیت شناختن اتاق‌های فکر در کشور، تسهیلات مالی، دسترسی به منابع داده‌ای دست اول و نگهداشت نیروی انسانی ماهر و چابک نگه داشتن توسط دولت به نحو مقتضی و تعریف شده برای اندیشکده‌ها مهیا و در عین حال استقلال اندیشکده‌ها در اولویت قوانین موضوعه در ارتباط با اندیشکده‌ها باشد و برای این مهم لازم است مجلس شورای اسلامی در قالب قانون‌گذار، نظرات مشورتی زیست بوم اندیشکده‌های فعال ایرانی را در حیطه قوانینی که در رابطه با این اندیشکده‌ها از تصویب می‌گذرانند را جویا شود.

۳. با توجه به گستره فراسرزمینی و وسعت مسائل مطرح در حوزه دیپلماسی عمومی، لازم است، خدمات ویژه‌ی ارتباط‌گیری و جمع‌آوری داده از کشورهای مورد هدف و مقصد تصمیم‌سازی‌های حاکمیتی برای اندیشکده‌ها مهیا و در این زمینه دسترسی اندیشکده‌ها به منابع داده‌ای و مصاحبه و مشاهدات میدانی آسان‌تر شود و نه اینکه اندیشکده صرفاً با مراجعه به داده‌های کتابخانه‌ای و یا استفاده صرف از داده‌های عمومی، خام و کم‌مایه که در دسترس هر پژوهشگر معمولی است، بخواهد فی‌المثل راهبردهای جمهوری اسلامی در حیطه دیپلماسی نوزده در گستره‌ی فرهنگی نوزده را تهیه و تدوین نماید.

۴. باتوجه به اینکه، در حال حاضر، سیستم مشخص و رویه‌ی روشنی برای اندازه‌گیری و سنجش اثربخشی و تأثیر کار اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری و دیپلماسی فرهنگی وجود ندارد؛ لاجرم نیابستی فعلاً و لااقل در آینده‌ی نزدیک، انتظار مشخص بودن میزان اثرگذاری این اندیشکده‌ها را داشت؛ اما می‌شود با مساعد کردن شرایط و توسعه زیرساخت‌های این اندیشکده‌ها، برای یک بازه زمانی مشخص حداقل ۷ تا ۱۰ ساله فی‌المثل افق ۱۴۱۴ ه.ش. انتظار افزایش کارآمدی و اثرگذاری این اندیشکده‌ها را در ایران ۱۴۱۴ داشت.

۵. با تفاوت قائل شدن بین اندیشکده‌ها بر اساس مدل‌های عملیاتی، زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی عملکردشان، منابع تأمین مالی و همچنین گستره‌ی جغرافیایی مأموریت آن‌ها، به رسمیت شناختن تأثیر روندهای معاصر مانند جو سیاسی قطبی شده، کاهش اعتماد در کارشناسان یا چالش‌های توسعه سازمانی در این اتاق‌های فکر، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی و حمایت‌های احتمالی دولتی هم متناسب با این تمایزات نسبت به اندیشکده‌های مختلف اعمال شود. خاصه اندیشکده‌های فعال در عرصه دیپلماسی عمومی که نیازمند توجه و تسهیل‌گری بیشتری متناسب با حوزه‌های مدموریتی و تنوع عملکردی‌شان هستند.

۶. اندیشکده‌های فعال در حوزه دیپلماسی عمومی و حیطة‌ی مسائل فرهنگی، باتوجه به گستره مفهومی و پیچیدگی‌های خاص مسائل فرهنگی، اغلب فاقد منابع مالی و داده‌ای لازم برای نظارت و ارزیابی هستند و معمولاً از مدل‌های غیر خطی پیچیده برای اثرسنجی عملکرد خود استفاده می‌کنند؛ از طرف دیگر، تلاش برای یافتن سرمایه‌گذارانی که مایل باشند پول یا منابع دیگری را برای انجام این کار در اختیارشان بگذارند، تقریباً نتیجه‌ای برایشان ندارد. بنابراین لازم است که این اندیشکده‌ها، با تمرکز بر خروجی‌ها و نتایج مختلف فعالیت‌هایشان، به مفهوم سازی و ترسیم خطی ساده و احتمالاً واقعی‌تر مدل‌های پیام‌سنجی عمومی‌تر در حوزه دیپلماسی عمومی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی درون و برون مرزی پردازند.

۷. اندیشکده‌ها بایستی نقش سایر بازیگران رسمی یا نیمه رسمی فعال در عرصه دیپلماسی عمومی را نیز در نظر بگیرند. تغییر و بازنگری در مدل فعالیتی اندیشکده‌ها در این زمینه می‌تواند ابزار مفیدی برای آن‌ها برای طراحی فعالیت‌های مشترک با دیگر بازیگران نقش آفرین در حیطة دیپلماسی عمومی باشد.

۸. امروزه تعداد مجموعه‌هایی که خود را اندیشکده می‌نامند و مدعی فعالیت در عرصه سیاست‌گذاری عمومی و دیپلماسی فرهنگی هستند، افزایش یافته است؛ از طرف دیگر، به نظر می‌رسد عملکردهای اخیر این اندیشکده‌ها مانند نحوه دو قطبی شدن جامعه و رفتار پوپولیستی سیاست‌گذاران فرهنگی منبعث از این دو قطبی، منتهی به کاهش اعتماد به نتایج تحقیقات و خروجی‌های اندیشکده‌ها شده است؛ هم‌چنین بنا به گستره‌ی موضوعی فرهنگ و حوزه دیپلماسی عمومی، رویکردهای این اندیشکده‌ها برای ارائه موفق مأموریت‌هایشان هم‌چنان سنتی و کانالیزه است که این روند نیز بایستی تغییر کند.

این در حالی‌ست که اندیشکده‌های فعال در حوزه‌های مختلف، اغلب از قالب‌های مرسوم مانند گفتگوهای محرمانه بین کارشناسان و سیاست‌گذاران، مجامع عمومی بحث‌ها و مقالات پژوهشی-ترویجی دانشگاهی برای ارائه‌ی جامع خط مشی خود استفاده می‌کنند و لازم است اندیشکده‌های فعال در حوزه سیاست‌گذاری عمومی و دیپلماسی فرهنگی به دنبال تأثیرگذاری بیشتر در دیپلماسی فرهنگی و سیاست‌گذاری عمومی از طرق دیگری از جمله با استفاده از ابزارهایی مانند پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای جهت‌دهی به افکار عمومی به‌عنوان اهرمی برای دستیابی به تغییر سیاست یا تعامل مستقیم با سیاست‌گذاران، دولت و سایر نهادهای حاکمیتی بهره ببرند و باتوجه به میزان اقبال عمومی توده ایرانی به رسانه‌های جمعی و اجتماعات مجازی، حصول به این نتیجه و تحقق این خط مشی، ممکن و محتمل به‌نظر می‌رسد. بنابراین به اندیشکده‌های فعال در این حوزه پیشنهاد می‌شود تا به‌منظور معتبر و مرتبط ماندن، در استراتژی‌ها و روش‌های موجود خود بازنگری کنند.

۹. اندیشکده‌های ایرانی، اغلب اعتبار خودشان را به‌واسطه‌ی «درپیش‌گرفتن شیوه‌های تحقیقاتی ضعیف، کم‌ارزش، مغرضانه و جهت‌دار»، «اتخاذ مواضع جانب‌دارانه»، «بکارگیری نیروهای عملیاتی

دارای تعارض منافع» و «عدم شفافیت در نقش خود به‌عنوان دروازه‌بان محافظ قدرت سیاسی»، تضعیف کرده‌اند؛ بنابراین اندیشکده‌ها در صورتی که اراده‌ی حضور فعال در عرصه علمی ایران افق ۱۴۱۴ را داشته‌باشند، با بازنگری در عملکرد و تصحیح فرایند حل مسائل، باید به سمت رویه‌های «تقاضا محور»، «شفاف»، «منطبق بر واقعیات»، «پرهیز از منفعت‌طلبی گروهی»، «دوری از مشورت‌های جانب‌دارانه» و «اولویت بخشی به منافع ملی» حرکت کنند.

۱۰. با توجه به رشد روزافزون شبکه‌های ارتباط جمعی مجازی، اندیشکده‌های ایرانی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، با ایجاد شبکه‌های اجتماعی ملی و فراملی، می‌توانند فعالیت‌های ارتباطی خود را از طریق بسترهای رسانه‌ای جدید و در نتیجه، دسترسی مستقیم به مخاطبان گسترده‌تر، توسعه داده و سرمایه اجتماعی حاکمیت را ارتقاء بخشند.



## منابع

- آقاچانی، احمد؛ عسگری، محمد (۱۳۹۰). «نقش آفرینی اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی-امنیتی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم؛ شماره ۳۲.
- اینانو، مینا؛ فتاحی، سجاده؛ فکری، محمد؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۶). ساختار و کارکرد اندیشکده‌ها، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ادیانی، سید یونس (۱۳۸۳). تئوری اتاق فکر منطق بنیادین فکر. بی‌جا: انتشارات نقش جهان.
- امیری، مهدی (۱۳۸۴). «جایگاه اتاق فکر در تدوین سیاست خارجی». فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره هشتم.
- پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای (۱۳۹۴). مجموعه اسناد موجود در مرکز اسناد پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).
- حاجیانی، ابراهیم؛ ایرانشاهی، حامد (۱۳۹۳). درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- خانجانی، خاطره؛ تکیان، امیرحسین؛ نجیبی، سیده مریم (۱۴۰۱). «تبیین ویژگی‌های کلیدی اندیشکده‌ها در ایران: مطالعه موردی کیفی اندیشکده حکمرانی خوب سلامت»، نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، شماره پیاپی ۶.
- طبرسا، غلامحسین؛ دهقان، سیرسا (۱۳۸۹). «اندیشکده‌ها و جایگاه آن در سازمان»، تدبیر، شماره ۲۱۸.
- عباسی، عباس؛ یادگاری، تورج (۱۳۹۳). «اندیشکده‌ها و رقابت تصمیم‌سازی در سطح استراتژیک در قرن ۲۱»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت در قرن ۲۱.
- علی نوری، مرتضی (۱۳۸۴). «کلیاتی بر اتاق‌های فکر». فصلنامه کنترل، شماره ۱۹.
- کریمی، عظیم؛ سلطانی، علیرضا؛ بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۹۹). «نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی: مطالعه موردی انگلستان»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۴۱.
- کریمی، عظیم؛ سلطانی، علیرضا (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶۱.
- طباطبایی، علی (۱۳۸۷). راهکارهای ارتقای جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی. با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک (مجمع تشخیص مصلحت نظام)، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی؛ ویراستار سعید احمدی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی: دفتر گسترش تولید علم.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۹). «درباره سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی». پایگاه اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، [www.icro.ir](http://www.icro.ir)
- مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام (۱۳۹۹). «درباره مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام»، پایگاه اطلاع رسانی ویکی شیعه، <https://fa.wikishia.net>
- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (۱۴۰۰). «درباره مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، وب سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- مرکز جهانی علوم اسلامی (۱۳۸۵). گزارش راهبردی مرکز جهانی علوم اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).



میرفخرایی، سیدحسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید(۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، پاییز و زمستان، دوره ۱۰، شماره ۲. وحید، مجید(۱۳۸۴). «نگاهی به مشکل سیاست‌گذاری عمومی در ایران در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و مفهوم مرجعیت»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز، شماره ۶۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(۱۳۹۹). «راهبردهای محتوایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، پایگاه اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، [www.farhang.gov.ir](http://www.farhang.gov.ir)

- Bajenova, T. (2023). *Transnational think tank networks: Multipliers of political power or a new form of expertise monopolies. Administrative Theory & Praxis*, 45(2), pp. 100–126.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), The handbook of theory and research for the sociology of education. Greenwood Press. pp. 241–258.*
- Fitzpatrick, K. R. (2012). *Defining strategic publics in a networked world: Public diplomacy's challenge at home and abroad. The Hague Journal of Diplomacy*, 7(4), pp. 421–440.
- Hocking, B. (2005). *Rethinking the "new" public diplomacy. In J. Melissen (Ed.), The new public diplomacy: Soft power in international relations. pp. 28–43.*
- Huijgh, E. (2019). *Public diplomacy at home: Domestic dimensions. Brill.*
- La Porte, T. (2012). *Impact of intermestic non-state actors on the conceptual framework of public diplomacy. The Hague Journal of Diplomacy*, 7(4), 441–458.
- Melissen, J. (2005). *The new public diplomacy: Between theory and practice. In J. Melissen (Ed.), The new public diplomacy: Soft power in international relations. pp. 3–27*
- Mende, J., & Müller, T. (2023). *Publics in global politics: A framing paper. Politics and Governance*, 11(3), pp. 91–97.
- Pisarska, K. (2016). *The domestic dimension of public diplomacy: Evaluating success through civil engagement. Palgrave Macmillan.*
- Wu, H. D. (2023). *Post-truth public diplomacy: A detrimental trend of cross-national communication and how open societies address it. The Journal of International Communication*, 29(1), pp. 20–38.

Research Article

***The strategic role of think tanks in promoting public diplomacy and strengthening Iran's scientific and cultural capacities in the horizon of 1414***

***Mojtaba Ashrafi<sup>1</sup>, Morteza Ashrafi<sup>2</sup>***

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

***Abstract***

*Under its foreign policy and multi-faceted diplomacy, the Islamic Republic, despite the cooperation it has with many countries, including the peripheral countries and also the countries with Islamic Sharia law, so far - as it should and perhaps could not - from the point of view of public-cultural diplomacy in These countries and in the next stage, the countries that are capable of accepting the scientific and cultural components with the territorial origin of Iran, should be successful. Therefore, it seems that "public diplomacy" and strengthening the foundation of "scientific" and "cultural" interactions in the form of scientific discussions and think tanks can be effective in removing this weakness. It is also true that in today's turbulent world and in the face of extensive changes at the national and international levels, and in various fields, especially the turbulent and risky field of politics, culture, society and economy, managers and policy makers with They are facing a fundamental and undeniable challenge in the optimal, efficient and effective decision-making process, and this is in a situation where the general public of elites and experts, especially in think tanks, through decision-making in the public arena, over official decision-making and affect the government, and based on this, regarding the subject of the article, we will explain and redefine scientific-cultural diplomacy and present operational strategies at both national and transnational levels. But at the beginning of the matter, it seems that there should be assets and tools available and the existing platform to implement and realize the strategies and measures proposed in the practical development plan of think tanks in the field of public diplomacy and cultural diplomacy inside and outside the borders of Iran. Culturally read and reviewed.*

---

<sup>1</sup>. Researcher of Political Science Department, karimeh Strategic Studies Institute, Shiraz, Iran.  
Email: engcac@gmail.com

<sup>2</sup>. Researcher of Political Science Department, karimeh Strategic Studies Institute, Shiraz, Iran.  
Email: mortezaashrafi110@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

**Keywords:** *think tank, public diplomacy, public policy making, Islamic Republic of Iran.*

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Ashrafi, Mojtaba; Ashrafi, Morteza (Spring 2024). "The strategic role of think tanks in promoting public diplomacy and strengthening Iran's scientific and cultural capacities in the horizon of 1414". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 7, Num. 1, S.No. 25, pp. 19 - 48.

## Resources

- Abbasi, Abbas; Yadgari, Toraj (2013). "Think tanks and decision-making competition at the strategic level in the 21st century", *International Conference on Management in the 21st Century*. (in Persian)
- Aghajani, Ahmed; Asgari, Mohammad (2013). "The role of think tanks in defense-security policymaking", *Defense Strategy Quarterly*, 9th year; Number 32. (in Persian)
- Ali Nouri, Morteza (1384). "Kelyati on thinking rooms", *Control Quarterly*, No. 19. (in Persian)
- Amiri, Mahdi (2004). "The place of the think tank in formulating foreign policy". *Defense Strategy Quarterly*, third year, eighth issue. (in Persian)
- Bajenova, T. (2023). *Transnational think tank networks: Multipliers of political power or a new form of expertise monopolies*. *Administrative Theory & Praxis*, 45(2), pp. 100–126.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In J. Richardson (Ed.), *The handbook of theory and research for the sociology of education*. Greenwood Press. pp. 241–258.
- Edani, Seyed Younes (2013). *Think tank theory, the fundamental logic of thought*. Bija: Naqsh Jahan Publications. (in Persian)
- Fitzpatrick, K. R. (2012). *Defining strategic publics in a networked world: Public diplomacy's challenge at home and abroad*. *The Hague Journal of Diplomacy*, 7(4), pp. 421–440.
- Hajiani, Ibrahim; Iranshahi, Hamed (2013). *An introduction to the cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Abrar Contemporary Cultural Institute of International Studies and Research, Tehran. (in Persian)
- Hocking, B. (2005). *Rethinking the "new" public diplomacy*. In J. Melissen (Ed.), *The new public diplomacy: Soft power in international relations*. pp. 28–43.
- Huijgh, E. (2019). *Public diplomacy at home: Domestic dimensions*. Brill.

- Inanlu, Mina; Fatahi, Sajjad; Fekri, Mohammad; Ghasemi, Ruhollah (2016). *The structure and function of think tanks*, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (in Persian)
- Islamic Culture and Communication Organization (2019). "About the Organization of Islamic Culture and Communication", information base of the Organization of Islamic Culture and Communication, www.icro.ir. (in Persian)
- Karimi, huge; Soltani, Alireza (2019). "Pathology of the role of think tanks in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran", *Journal of Political Science*, No. 61. (in Persian)
- Karimi, huge; Soltani, Alireza; Bakshaishi Ardestani, Ahmad (2019). "The role of think tanks in foreign policymaking: a case study of England", *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, No. 41. (in Persian)
- Khanjankhani, memory; Tekian, Amir Hossein; Najibi, Seyyed Maryam (1401). "Explaining the key features of think tanks in Iran: a qualitative case study of the Good Health Governance Think Tank", *Journal of Culture and Health Promotion*, serial number 6. (in Persian)
- La Porte, T. (2012). *Impact of intermestic non-state actors on the conceptual framework of public diplomacy*. *The Hague Journal of Diplomacy*, 7(4), 441–458.
- Melissen, J. (2005). *The new public diplomacy: Between theory and practice*. In J. Melissen (Ed.), *The new public diplomacy: Soft power in international relations*. pp. 3–27
- Mende, J., & Müller, T. (2023). *Publics in global politics: A framing paper*. *Politics and Governance*, 11(3), pp. 91–97.
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (2019). "Content strategies of the Ministry of Culture and Islamic Guidance", information base of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, www.farhang.gov.ir. (in Persian)
- Mirfakhrai, Seyed Hasan; Firouzmandi Bandapi, Majid (2016). "Cultural diplomacy of Iran in Central Asia and Caucasus; Opportunities and Challenges", *Journal of Central Eurasian Studies*, Fall and Winter, Volume 10, Number 2. (in Persian).
- Pisarska, K. (2016). *The domestic dimension of public diplomacy: Evaluating success through civil engagement*. Palgrave Macmillan.
- Research Institute of Regional Studies (2014). *The collection of documents available in the research center of regional studies*. Qom: Al-Mustafa International Research Center. (in Persian)

- Tabarsa, Gholamhossein; Dehghan, Sabrasa (1389). "Thinking centers and their place in the organization", *Tadbir*, No. 218. (in Persian)
- Tabatabai, Ali (1387). *Solutions to improve Iran's position in international organizations. In cooperation with the Strategic Research Center (Expediency Council), Islamic Azad University Research Vice-Chancellor; Editor: Saeed Ahmadi, Tehran: Islamic Azad University, Research Vice-Chancellor: Science Production Extension Office.* (in Persian)
- Vahid, Majid (1384). "Looking at the problem of public policy making in Iran in the form of sociology of organizations and the concept of authority", *Tehran University Faculty of Law and Political Science Quarterly*, Autumn, No. 69. (in Persian)
- World Assembly of Ahl al-Bayt (peace be upon them) (1399). "About the World Assembly of the Ahl al-Bayt, peace be upon them", Wiki Shia information base, <https://fa.wikishia.net>. (in Persian)
- World Assembly of Approximation of Islamic Religions (1400). "About the World Assembly of the Approximation of Islamic Religions", the website of the World Assembly of the Approximation of Islamic Religions. (in Persian)
- World Center of Islamic Sciences (2015). *Strategic report of the World Center of Islamic Sciences, Al-Mustafa International Research Institute (PBUH)*. (in Persian)
- Wu, H. D. (2023). *Post-truth public diplomacy: A detrimental trend of cross-national communication and how open societies address it. The Journal of International Communication*, 29(1), pp. 20–38.

پروفیسر شہناز گل شاہین پور  
پیشوا گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے  
پیشوا گاہ علوم انسانی